

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده: محمود شاداب
۱۴ جون ۲۰۱۸

[دیدن روی تو می آید]

شب و روز از پی سودای گیسوی تو می آید
اگر از گل فزونتر نیست جانارنگ رخسارت
چو لرزان می خورد در چشم من قندیلِ محرابی
الهی آشنا گردان به من آن دردمندی را
بنه مرهم به زخم یا بزن تیر ای کمان ابرو
دلِ امیدوار من از آنرو منکر یأس است
نگاهی کن به احوالِ خرابِ عشق‌ری گاهی
مه و خورشید و انجم دیدن روی تو می آید
چرا بلبل ز گلشن بر سر کوی تو می آید؟
به یادم گردشِ چشمانِ جادوی تو می آید
که از گلهای داغ سینه اش بوی تو می آید
که امروز هر ادا از شست و بازوی تو می آید
که می گویند آب رفته در جوی تو می آید
پس از عمری که بر راهی دم روی تو می آید